

## بریتانیا: طرح دولت برای افزایش شهریه دانشگاه ها



مایکل رابرتز، ۸ دسامبر ۲۰۱۰

### برگردان: آرمان پویان

تغییرات پیشنهادی برای شهریه دانشگاه های بریتانیا، حالت مضحکی به خود گرفته است، و در این کارزار، مهمات بسیاری از سوی مدافعان افزایش شهریه ها تکرار می شود. ظاهراً وزیرای بزدل لیبرال دموکرات، به مشاغل شیک و پردرآمد خود در دولت ائتلافی علاقه بیش تری دارند تا عمل به وعده های انتخاباتی خود مبنی بر پایان دادن به هزینه تحصیلات در سطوح بالا. در حال حاضر، به جای اتمام هزینه های تحصیلی، آقایان قصد دو برابر کردن آن را دارند! و در توجیه این کار می گویند که برنامه وام ها و کمک هزینه های تحصیلی مورد نظر آن ها، "مترقی تر" از برنامه ایست که از سوی دولت رو به پایان گوردن براون تحمیل می شود.

اجازه دهید تا در این جا با حقایق رو به رو شویم. بله، برنامه دولت ائتلافی، آن طور که مؤسسه مطالعات مالی در تحلیل خود نشان می دهد<sup>(۱)</sup>، "مترقی" است. وقتی می گوئیم "مترقی"، مقصودمان اینست که در این طرح جدید، دانشجویان خانواده های ثروتمندتر نسبت به دانشجویان خانواده های کم درآمدتر، پس از فارغ التحصیلی و پیدا کردن یک شغل، با بدهی های بیش تری برای بازپرداخت دست به گریبان خواهند بود. اما مسأله این نیست.

مسأله مهم اینست که دولت قصد دارد تا نسبت به گذشته، بخش کم تری از هزینه تحصیلات سطوح عالی را پوشش دهد و بدین ترتیب، قرارست تا هزینه تحصیلات بالاتر برای هر یک دانشجویان افزایش پیدا کند. با توجه به نظام فعلی شهریه ها، دولت ۲۱،۸۲۰ پوند به ازای هر فارغ التحصیل، و دانشجویان-تازمانی که در سطوح عالی تحصیل می کنند- ۱۶،۰۸۰ پوند پرداخت می کنند. تحت برنامه دولت ائتلافی، دانشگاه ها مجاز خواهند بود که شهریه ها را تا ۹۰۰۰ پوند در سال و اکثر کالج ها تا ۷،۵۰۰ پوند در سال افزایش دهند. دلیل این کار، به کاهش سهم دولت در پرداخت هزینه ها به ۱۶،۷۵۰ پوند (برای کالج هایی با شهریه سالانه ۷۵۰۰ پوند) و به ۲۵،۰۲۰ پوند (برای دانشگاه هایی با شهریه سالانه ۹۰۰۰ پوند) برمی گردد، این در حالیست که سهم هر یک از دانشجویان در هزینه ها در این دو مورد، به ترتیب از ۱۶،۰۸۰ پوند به مبالغ ۲۵،۰۲۰ و ۲۷،۲۰۰ پوند افزایش پیدا خواهد کرد. بدین ترتیب، دانشجویان باید نسبت به قبل، ۵۵ تا ۷۵ درصد بیش تر در قالب "بازپرداخت بدهی" بپردازند! این همان چیز است که لیبرال دموکرات ها با شور و حرارت از آن دفاع می کنند.

آن گونه که مؤسسه مطالعات مالی (IFS) می گوید، این طرح مترقی تر است، اما تنها ۲۲ تا ۲۳ درصد دانشجویان نسبت به نظام فعلی، از آن منتفع خواهند شد. بنابراین وضعیت ۷۸ درصد دانشجویان نسبت به قبل، بدتر می شود! ضمناً

دانشجویان متعلق به ۳۰ درصد فقیرترین خانوارها، صرفاً به خاطر افزایش هزینه‌ها، به طور مشخصی بیش از نظام پیشین پرداخت خواهند کرد. وضع دانشجویانی از خانواده‌هایی با درآمد متوسط به طور جدی وخیم خواهد شد، چرا که آن‌ها نمی‌توانند از وام و کمک هزینه تحصیلی به خوبی منتفع شوند. نیمی از فارغ التحصیلان بدهی‌های خود را طی ۳۰ سال پرداخت خواهند کرد و تعدادی هم بیش از آن چه قرض گرفته بودند، باید پرداخت کنند!

اگر درآمد سالانه والدین یک دانشجو مجموعاً کم‌تر از ۲۵،۰۰۰ پوند باشد، در این صورت دانشجو می‌تواند از کمک هزینه ۳،۳۴۰ پوندی در سال برخوردار شود، با این حال هنوز باید سالانه ۳،۹۸۰ پوند وام بگیرد. در مورد خانواده‌های بسیار کم درآمد، فرزندان هم چنان باید بدهکار شوند. دانشجویانی که درآمد والدین آن‌ها بین ۲۵،۰۰۰ تا ۴۲،۶۰۰ پوند در سال است (یعنی مقداری متوسط، با توجه به استانداردهای شهر لندن) وام بیش‌تری می‌گیرند (یعنی مبالغ بازپرداخت آن‌ها افزایش پیدا می‌کند)، ولی از کمک هزینه کم‌تری برخوردار می‌شوند. به همین ترتیب، برای خانواده‌هایی با درآمد سالانه بین ۴۲،۶۰۰ تا ۶۲،۱۲۵ پوند و بیش از آن، میزان وام به کم‌ترین مقدار خواهد رسید و کمک هزینه‌ای هم پرداخت نخواهد شد.

این بدان معناست که اکثریت دانشجویان- حتی دانشجویان کم درآمد- باید شهریه دانشگاه خود را از طریق گرفتن وام پوشش دهند. خلاصه کلام آن که امکان تحصیلات رایگان در سطوح بالاتر، حتی برای فقیرترین دانشجویان هم وجود ندارد.

قرارت تا شهریه‌های دانشگاه دو برابر شود و بار این افزایش بر دوش خانواده‌ها و دانشجویانی بیفتد که با افزایش شدید بدهی‌هایشان رو به رو خواهند شد.

هم چنین قرارت تا هزینه تحصیلات بالاتر (حتی اگر بازپرداخت بدهی‌ها به بعد از فارغ التحصیلی، با بهره، موقوف شود) دو برابر گردد، چرا که دولت می‌خواهد با برنامه‌تضییقی خود صرفه‌جویی کند. با این اقدام دولت، قرار نیست تا ثروتمندان، بیش‌تر و فقرا کم‌تر پرداخت کنند. در واقع همه بیش‌تر پرداخت خواهند کرد.

"کارشناس" لیبرال دموکراتیکی از "Reform Institute" در بحث رادیویی خود با دانشجویان می‌گفت که فارغ التحصیلان با گرفتن مدرک، درآمد بیش‌تری در آینده خواهند داشت و بنابراین باید الان شهریه تحصیلات بالاتر خود را پرداخت کنند. به گفته او وقتی نیمی از جوانان به کالج نخواهند رفت، پس چرا باید مالیات پرداخت کنند تا نیمی دیگر به طور رایگان وارد کالج‌ها شوند؟

خب با چنین استدلالی، چرا من- به عنوان یک فرد بالای شصت سال- که از مدرسه استفاده نمی‌کنم، باید بدهی تحصیلات دیگران را بپردازم؟ این در واقع استدلال کلاسیک طرفداران بازار است که آن کارشناس محترم هم تکرار کرد. برای او، "انتخاب" تصمیمی است که افراد باید هنگام استفاده از یک خدمت به عنوان "مشتری"، بر مبنای قیمت‌ها بگیرند. اما همان‌طور که دانشجویی در پاسخ گفت، پس تکلیف "کالای عمومی" \* چه می‌شود؟ منافع جنبی بسیاری وجود دارد که جامعه می‌تواند از مردمی با تحصیلات بهتر دریافت می‌کند: نه فقط بهره‌وری بیش‌تر، مهارت و نوآوری، بلکه حتی فرهنگ و تمدن بیش‌تر. این‌ها مواردی هستند که همه از آن منتفع می‌شوند.

اگر، در نتیجه تحصیلات رایگان در سطوح عالی، تعداد بیش‌تری از جوانان درآمدهای بالاتری نسبت به دیگران به دست بیاورند، در آن صورت می‌توان از یک نظام مالیاتی متناسب استفاده کرد. اعمال یک نظام مناسب مالیات تصاعدی بر درآمد، به آن معنا خواهد بود که هر چه قدر درآمد شما بالاتر باشد، مبالغ بیش‌تری را برای تحصیلات بالاتر دیگران در اختیار جامعه قرار خواهید داد. \*\* چنین چیزی در اقتصادهای سرمایه‌داری مدرن وجود ندارد، چرا که اصولاً ثروتمندان تمایلی به پرداخت مالیات ندارند. به همین خاطر، ما در انگلستان تنها سه نوع نرخ مالیات بر درآمد داریم و عمده مالیات‌ها، مثل مالیات بر فروش و مالیات "غیرمستقیم و پنهان"، به شدت کاهش یافته‌اند.

ضمناً، یک مالیات واقعاً تصاعدی بر درآمد، می‌تواند طرح پیشنهادی دولت حزب کارگر جدید مبنی بر "مالیات بر فارغ التحصیلان" را غیرضروری سازد (هرچند آن‌ها هم چنان پیشنهاد می‌کنند که شهریه وجود داشته باشد). تحصیلات عالی

برای همه، و رایگان در تمامی مراحل آن، که از محل یک نظام عمومی مالیات تصاعدی تأمین شود، مناسب ترین و کاراترین نظام خواهد بود، درست همان طور که برای تمامی خدمات عمومی هست.

سیاست دولت ائتلافی مبنی بر پرداخت شهریه برای تحصیلات بالاتر، سیاستی است که از سوی طرفداران بازار اتخاذ می شود. از نظر ایدئولوژیکی، آن ها می خواهند که بهای خدمات به قیمت های بازار پرداخت گردد و همان طور که پیش تر گفتیم، به صورت تصمیمات هر یک از مصرف کنندگان دیده شود، نه تصمیماتی که به شکل دموکراتیک از سوی جامعه در کلیت خود گرفته می شود.

به علاوه، افزایش در هزینه های تحصیلی، سیاستی است که بنا به انتخاب این دولت، اتخاذ شده است. آن ها ترجیح می دهند که برای برنامه موشک های هسته ای (Trident) هزینه کنند و اجازه دهند تا ثروتمندان با هزاران راه فرار از مالیات، از پرداخت بالغ بر ۵۰ میلیارد پوند مالیات قانونی بگریزند، اما علاقه ای ندارند تا دسترسی همه مردم به تحصیلات عالی را تأمین کنند.

ضمناً باید تأکید کنم که افزایش شهریه دانشگاه ها، دقیقاً نتیجه کاهش ۸۰ درصدی بودجه دولت برای تحصیلات سطوح عالی است که در برنامه تصویبی دولت تعبیه و در نظر گرفته شده. صحبت های لیبرال دموکرات ها از یک نظام "مترقی تر"، چیزی جز شیدای و عوام فریبی نیست.

(1) <http://www.ifs.org.uk/bns/bn113.pdf>

\* در اقتصاد نئوکلاسیکی بخش عمومی، کالای عمومی (public good) به کالایی گفته می شود که دو ویژگی، یعنی استثناناپذیری (non-excludability) و مصرف غیررقابتی (non-rivalry) را داشته باشد. مقصود از مصرف غیررقابتی آنست که استفاده یک فرد از آن کالا، امکان استفاده دیگری را کاهش ندهد و به عبارت دیگر، امکان استفاده همزمان تعدادی بی شماری از مصرف کنندگان بدون ایجاد محدودیت برای یک دیگر مهیا باشد. ویژگی دوم، استثناناپذیری، هم اشاره به این موضوع دارد که هیچ کس را در عمل نمی توان از مصرف رایگان آن کالا منع کرد (به علت هزینه های عموماً زیاد این کار). در مورد کالای عمومی، از مثال هایی مانند یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی - که در این مورد میلیون ها نفر مخاطب، همزمان و بدون ایجاد محدودیت برای یک دیگر قادر به استفاده از برنامه هستند- یا مثال دفاع ملی، استفاده می شود. (مترجم)

\*\* به علاوه در این نوع مالیات، می توان برای صاحبان درآمدهایی کم تر از یک سطح مشخص، معافیت مالیاتی قائل شد. (مترجم)

منبع مقاله:

<http://thenextrecession.wordpress.com/2010/12/08/britain-making-working-class-students-pay/>